

تحلیلی بر مناسبات سیاسی ایران و پاکستان از منظر ژئوپولیتیک شیعه

حسن باویر

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حجت مهکویی

گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران^۱

مهری اذانی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مهدی مؤمنی

گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

امروزه مسائل ایران و تشیع به گونه‌ای با هم پیوند خورده است که ایران نمی‌تواند نسبت به سرنوشت شیعیان بی‌تفاوت باشد، لذا این موضوع توانسته است به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها نقش مهمی داشته باشد. از جمله کشورهایی که بعد از ایران بیشترین جمعیت شیعه را دارد همسایه شرقی ایران یعنی پاکستان است. ایران و پاکستان به عنوان دو کشور مهم و استراتژیک در جنوب غرب آسیا توانسته‌اند تأثیرگذاری مهمی بر تحولات منطقه و نیز بین‌الملل داشته باشند. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی از یک سو و داشتن مرز مشترک پهناور از سوی دیگر موجب شده است روابط دو کشور با وجود اختلافات بنیادی در منافع و رویکردهای سیاسی نسبت به مسائل مهم و استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس رابطه‌ای دوستانه و پایدار تنظیم و استوار باشد که در این میان نقش شیعیان پاکستان به عنوان اقلیتی چشمگیر و فعال در حوزه‌های سیاسی اجتماعی که حدود ۲۰٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند مورد توجه می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل تأثیرپذیری مناسبات سیاسی ایران و پاکستان از منظر ژئوپولیتیک شیعه، پرداخته است. سوال اصلی مطرح شده این است که مناسبات سیاسی ایران و پاکستان چه تأثیرپذیری از ژئوپولیتیک شیعه دارد؟ نتایج نشان می‌دهد که مناسبات سیاسی ایران و پاکستان بیشتر تحت تأثیر عوامل ژئوپولیتیک شیعه بوده است و شیعیان پاکستان با وجود فشارهایی که از جانب گروه‌های سلفی و تکفیری بر آنها حاکم است، توانسته‌اند در مناسبات سیاسی بین این کشور و جمهوری اسلامی ایران نقش ویژه‌ای داشته باشند.

کلمات کلیدی: ایران، پاکستان، ژئوپولیتیک شیعه، شیعیان پاکستان، مناسبات سیاسی

مقدمه

پیشینه روابط سیاسی ایران و پاکستان به آغاز شکل‌گیری پاکستان و استقلال آن از هند برمی‌گردد. با استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، ایران کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک دو کشور از ماه می ۱۹۴۸ آغاز شد و در می ۱۹۴۹ لیاقت علی‌خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان به ایران سفر کرد. محمدرضا پهلوی شاه ایران نیز اولین رئیس‌جمهوری بود که در ماه مارس ۱۹۵۰ به پاکستان سفر نموده و پس از آن دو کشور در فوریه ۱۹۵۰ با یکدیگر پیمان مودت بستند (Alam, 2004: 526-527). کشور پاکستان به دلیل داشتن مرزهای طولانی با کشورها بزرگ و نیز به دلیل عدم برخورداری از عمق استراتژیک در مرزهای شرقی و شمالی و قرار گرفتن در معرض تهدید دو کشور همسایه - هند و افغانستان - مشتاق بود با ایران رابطه‌ای دوستانه برقرار کند. ضمن آنکه پاکستان ایران را به عنوان راه میان‌بری برای برقراری ارتباط با جهان اسلام می‌دانست (AshkariRizvi, 2004: 11).

از این منظر آنچه امروزه پاکستان نامیده می‌شود بیش از سایر مناطق شبه‌قاره تحت تأثیر فرهنگ و سیاست ایران بوده است. در سال ۱۹۵۰ پیمان دوستی بین دو طرف، موجب شد که سایه هرگونه تهدید و دشمنی از روابط دو کشور پاک شود. با وجود اینکه روابط دوستانه پاکستان با حکومت پهلوی تا روزهای پایانی حکومت شاه ادامه یافت، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از تأسیس جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. انقلاب اسلامی ایران باعث شد که در آن زمان ژنرال ضیاءالحق تحت تأثیر این انقلاب به اسلامی کردن امور پاکستان سرعت ببخشد، همچنین انقلاب ایران باعث سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد (قنديل، ۱۳۷۵: ۱۲۳). عرصه افغانستان و جهاد علیه شوروی، عامل دیگری بود که این کشور در آن به همکاری می‌پرداختند. با آغاز جنگ ایران و عراق، پاکستان به منظور حفظ روابط دوستانه با ایران هیچگاه به طور آشکارانه از عراق حمایت کرد و نه به دلیل روابط گسترده نظامی‌اش با آمریکا، تهاجم عراق به ایران را محکوم کرد (Mushahid, 1993: 216). داشتن مرز طولانی مرز طولانی مشترک و اشتراکات فراوان مردمانی که در دو طرف مرزهای دو کشور زندگی می‌کنند باعث برقراری سطح عمیقی از روابط بین دو کشور شده است. با وجود اینکه عامل ژئوپولیتیک، معمولاً یکی از منابع مهم تنش در بین کشورهای همسایه است، در روابط ایران و پاکستان این عامل از ویژگی خاصی برخوردار است که مانع بروز تنش و اختلاف بین دو کشور شده است.

در این پژوهش تلاش شده است تا مسأله تأثیرپذیری مناسبات سیاسی کشورهای ایران و پاکستان از منظر ژئوپولیتیک شیعه مورد بررسی قرار دهیم. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از بزرگترین رخداد‌های قرن بیستم توانست آثار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی در سطح منطقه و حتی بین‌الملل داشته و به عنوان یک الگوی عملی بیشترین تأثیر بر مجامع شیعی منطقه وارد سازد که از یک طرف سبب شد مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان عرضه شود و از سوی دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف احساس خودباوری کرده، برای رشد و اعتلای سیاسی گام بردارند (حافظ‌نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان پاکستان امیدوارتر از قبل در راستای آزادی و استقلال گام برداشتند و اسلام سیاسی از حاشیه به متن آمد و جنبش‌های

اسلامی مانند نهضت فقه جعفری با الهام از آموزه‌های اسلامی شکل گرفتند. در این میان شیعیان پاکستان بیش از سایر گروه‌ها از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفتند و به ایران به عنوان یک حامی و الگوی مبارزه نجات بخش نگاه می‌کنند (میلانی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷). بنابراین، موضوع روابط بین دو کشور با وجود اشتراکات دینی و تماسهای فرهنگی موضوعی پیچیده است، به ویژه اگر مسأله را صرفاً بر اساس حضور و نفوذ شیعیان در کشور پاکستان بررسی نماییم. با توجه به ساختار سیاسی پاکستان که مبتنی بر جاگیرداری و سرداری است، برخی خانواده‌های سیاسی به طور سنتی قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند که در میان آنان خانواده‌های سرشناس شیعه نیز وجود دارد (عارفی، ۱۳۸۵: ۶۵) که این موضوع توانسته یکی از زمینه‌های مهم ارتباط بین دو کشور باشد. با عنایت به مطالب فوق، بررسی ژئوپولیتیک شیعیان و نقش آن در مناسبات سیاسی دو کشور ایران و پاکستان ضرورت انجام این پژوهش را می‌طلبد به گونه‌ای که در مناسبات سیاسی بین دو کشور نمی‌توان نقش اقلیت فراوان شیعیان پاکستان را انکار کرد. بنابراین نظر به بیان مسئله ارائه شده، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی مناسب به این پرسش است که مناسبات سیاسی ایران و پاکستان چه تأثیرپذیری از ژئوپولیتیک شیعه داشته است؟ به نظر می‌رسد با توجه به نفوذ سیاسی و جایگاه اجتماعی شیعیان در پاکستان، شیعیان توانسته‌اند نقشی مهم و راهبردی در مناسبات سیاسی دو کشور ایفاء کنند.

روش تحقیق

این مقاله با هدف کاربردی و روش کیفی و ماهیت روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی به تحلیل تأثیرپذیری مناسبات سیاسی ایران و پاکستان از منظر ژئوپولیتیک شیعه پرداخته است.

مبانی نظری

ژئوپولیتیک شیعه

اصطلاح ژئوپولیتیک شیعه که در سالهای اخیر وارد واژگان ژئوپولیتیکی زبان فارسی شده است، نتیجه حاکمیت گفتمان سیاست خاصی است که توسط اندیشمندان سیاسی آمریکا در دوره پس از جنگ سرد و همزمان با پایان یافتن دوره استعمار مستقیم در کشورهای خاورمیانه با هدف خشونت گرا جلوه دادن مذهب شیعه و تحریک احساسات جهانی برای مقابله با آن ابداع شد. (افضلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷-۷۸). «ژئوپولیتیک شیعه» به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای خاورمیانه بزرگ باهارتلند ایران است (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰: ۲۷۶). کمربندی از تشیع حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند، که در کشورهای گوناگون به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرهای گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد. (کرامر، ۱۳۸۴: ۳۶). جهان تشیع امروزه یک خط سیر مهمی را از لحاظ جغرافیایی شامل می‌شود که در واقع، از شرق کشور چین و هندوستان شروع شده و پس از رسیدن به ایران، از طریق عراق و خلیج فارس به سوریه و لبنان می‌رسد. عده‌ای از نویسندگان از این خط سیر و امتداد جغرافیایی تشیع به عنوان «کمربند شیعی» و عده‌ای

دیگر از جمله پادشاه اردن، آن را «هلال شیعی» می‌نامند. در محدوده قلمرو سکونت شیعیان به سبب پیوستگی جغرافیایی، هر نوع حادثه‌ای به سرعت انتقال می‌یابد. قلمرو جغرافیایی شیعیان از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن دارای توانمندی زیادی است (عطایی، ۱۳۸۷: ۲۲۷). در دهه‌های اخیر، بروز تحولاتی نظیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و موفقیت‌های «حزب‌الله» در لبنان، موجب شده است ایفای نقش شیعیان در کانون تحولات قرار بگیرد. عوامل مزبور به همراه استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی همراه با توانمندی جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک) بالا، سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپولیتیک قدرتمند گردیده است (Gause, 2010 : 118).

ویژگی‌های ژئوپولیتیک شیعه

دو رویداد مهم در عرصه‌ی ژئوپولیتیک منجر به پیوند میان اسلام و ژئوپولیتیک شد. نخست ظهور اسلام‌گرایی پس از برخورد اعراب و اسرائیل در قضیه‌ی فلسطین، به ویژه پس از جنگ شش روزه در خاورمیانه و پس از آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در منطقه‌ی خلیج فارس که هر کدام به نوبه‌ی خود آثار مهمی در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌اند (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۰۹). لذا انقلاب اسلامی توانست اسلام را به عنوان یک پدیده‌ی ژئوپولیتیک در جهان مطرح سازد. بالتبع شیعی بودن انقلاب منجر شد تا در این میان تعریف شیعه به عنوان جایگاهی ژئوپولیتیکی در کانون توجه قرار گیرد، چرا که اولین بازتاب‌های انقلاب ایران کانونهای شیعی جهان را تحت تأثیر قرار می‌داد. توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپولیتیک، حیطه‌های دیگری از همنشینی جغرافیایی را مطرح کرد. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، دین اسلام را تنها یک ایدئولوژی مذهبی می‌شمردند، اما انقلاب ایران جنبه‌های بالقوه-ی سیاسی آن را به فعلیت در آورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران، نشان داد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگترین انقلابهای تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های آزادی بخش، به ویژه در منطقه‌ی آسیا و آفریقا، توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند. این توجه در کشورهایی که از اکثریت مسلمان برخوردار بودند، شدتی بیشتر یافت و به گرایش قوی تبدیل شد (صحفی، ۱۳۸۰، ۷۱). بنابراین قدرت و پایداری انقلاب اسلامی این اندیشه و نظر را به وجود آورد که باید به ایدئولوژی‌های مذهبی و دیگر پارامترهای فرهنگی توجه کرد. (عزتی، ۱۳۷۱: ۱۷۲-۱۷۳). فرانسوا توال در بررسی خود درباره‌ی مفهوم ژئوپولیتیک شیعه و تحلیل کانونهای نهضت شیعی دو نوع ژئوپولیتیک را بر می‌شمارد:

(۱) ژئوپولیتیک داخلی که عبارت است از: گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه‌ی شیعی بر مجموعه‌ی تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور؛

(۲) ژئوپولیتیک خارجی که عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه‌ی شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

از این نظر، او جوامع شیعی را به سه دسته تقسیم می‌کند: اول، آنهایی که تأثیر ژئوپولیتیکی چندانی، چه بر صحنه‌ی داخلی و چه بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ندارند (جوامع شیعی اسماعیلی عمدتاً در این دسته جای می‌گیرند)؛

دسته‌ی دوم آنهایی هستند که بُرد ژئوپولیتیک‌ی آنها به صحنه‌ی داخلی محدود می‌شود، مانند شیعیان عراق و پاکستان؛ و دسته‌ی سوم جوامعی هستند که هم تأثیرات ژئوپولیتیک‌ی داخلی دارند و هم برد ژئوپولیتیک‌ی خارجی. از این رو ایدئولوژی انقلابی ایران را می‌توان در دسته‌ی سوم قرار داد چرا که مرزهای داخلی را درنوردید و دل‌های شیعیان بسیاری را تسخیر کرد، هر چند ژئوپولیتیک شیعه تنها به جهان اسلام با تمام وسعت‌اش مربوط نمی‌شود. ژان پی‌یر وونمان در کتاب سبز و سیاه اشاره می‌کند که مرکز ثقل جهان عرب، از بیست سال پیش، از مدیترانه به خلیج فارس منتقل شده است (توال، ۱۳۷۹: ۱۵-۶). اگر بخواهیم به تعبیر دیگر بیان کنیم به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی منجر به آن شده که مرکز ثقل جهان عرب از مناطق کاملاً سنی به طرف مناطق شیعی - سنی کشیده شود.

نظریه‌های مرتبط با روابط بین‌الملل

دو نگرش کلی لیبرالیستی و رئالیستی همواره دو گفتمان غالب نظریه‌پردازی در رابط بین‌الملل بود اما این رویکرد توسط نگاه سومی با نام رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل نقض و به چالش کشیده شده‌اند. لذا جهت بازکردن موضوع به این رویکردها می‌پردازیم.

لیبرالیسم و روابط بین‌الملل

لیبرالیسم در روابط بین‌الملل به عنوان یک مکتب فکری، ریشه در خوش‌بینی عصر روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم اقتصادی قرن نوزدهم و ایده‌الیسم ویلسونی قرن بیستم دارد. به نظر لیبرالیستها، سیاست عبارت است از هنر خوب حکمت کردن یا حکومت خوب و سیاستمدار خوب کسی است که عملکردش مطابق اخلاق و ارزشهای انسانی باشد. لیبرالیسم اعتقاد دارد که انسانها قابلیت یادگیری داشته و تعلیم پذیرند و در نتیجه می‌توانند رفتارهای خود را تغییر دهند. پس آنها باید رفتار و عملکرد نابهنجار و غیر اخلاقی خود را بر اساس موازین اخلاقی و انسانی تغییر داده و رفتار بهنجار و اخلاقی را پیشه کنند (کلومیس و ولف، ۱۳۷۵: ۵۳-۵۱). لیبرالیستها از مفروضات مشترکی نسبت به واقعیت و جهان سیاست برخوردارند، لذا جهان‌بینی لیبرالیستها بر اعتقادات و مفروضه‌های زیر استوار است:

۱. سرشت و ذات بشر اساساً خوب یا نوع دوستانه است و بنابراین انسانها قادر به کمک متقابل و همکاری هستند.
۲. نگرانی اساسی بشر برای رفاه، ترقی و پیشرفت را امکان‌پذیر می‌سازد. یعنی این اصل روشنگری در مورد امکان رشد و توسعه تمدن مجدداً مورد تأیید و تصدیق قرار می‌گیرد.
۳. رفتار بد انسان، محصول و معلول انسان شرور نیست، بلکه معلول نهادها و ترتیبات ساختاری بشر است که انسانها را تحریک می‌کند تا خودپرستانه عمل کرده و به دیگران آسیب برسانند و بجنگند.
۴. انسان اگر بر مبنای فطرت خوب و نوع دوست خود عمل کند رفتاری همکاری جویانه و صلح‌آمیز خواهد داشت. به تبع آن، اگر انسانها و سیاستمداران خود ساخته و آموزش دیده در کشورها قدرت را به دست گیرند صلح و همکاری بین‌المللی تحقق خواهد یافت.

۵. برای استقرار صلح و همکاری بین‌المللی باید نهادها و ساختارهایی که انسان در آن از فطرت خود دور افتاده است و براساس آن رفتار و عمل نمی‌کند را اصلاح کرد. همچنین برای اینکه بشر و افراد بتوانند بر مبنای فطرت خود عمل کنند، فرایندها و نظام‌های تربیتی و اجتماعی باید اصلاح شوند.

۶. کشورها نیز ذاتاً خودپرست و جنگ طلب نیستند، بلکه برعکس، همکاری و نوع دوست می‌باشند و لذا قابلیت اصلاح رفتارهای نابهنجار خود را دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۷۳).

رویکرد رئالیستی و روابط بین‌الملل

رئالیسم^۱ یا واقع‌گرایی، سیاستهای جهانی را براساس رقابت دولتها بر سر منافع ملی خود تعریف می‌کند (Rourke, 2010:18). معمولاً جاذبه این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران و همچنین فهم متعارف از سیاست بین‌الملل، دانسته می‌شود. این رویکرد که ریشه در اندیشه و فلسفه مورخان مغرب زمین مانند توسیدید، ماکیاولی و هابز دارد، بعد از جنگ جهانی دوم به صورت منظم توسط هانس مورگنتاو در حوزه روابط بین‌الملل ارائه شد. فلسفه بدبینانه ماکیاولی و هابز، انسان را موجودی شرور، خودخواه و منفعت طلب تعریف می‌کرد که شرارت، پرخاشگری، خودپرستی و خشونت را در ذات خود دارد و کشورها نیز مانند انسانها مهمترین دغدغه آنها بقاء و ادامه حیات است و حتی کشورها بیشتر از افراد احساس نامنی می‌کنند چون در نظامی قرار دارند که فاقد هر گونه مرجع و اقتدار مرکزی مشروع است که از به کارگیری زور و خشونت جلوگیری کند، در چنین وضعیتی کشورها ارجحیتی بالاتر از امنیت و قدرت ندارند، در نتیجه قدرت‌طلبی امری طبیعی در روابط بین‌الملل است و تأمین آن حتی با توسط به زور و جنگ نیز جایز می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۷۳).

بنابراین براساس رویکرد رئالیستی روابط میان دولتها براساس میزان قدرت آنهاست که آن هم براساس توانمندی‌های نظامی و اقتصادی برآورد می‌شود. با این وجود، همکاری از نظر رئالیستها غیر ممکن نیست. دولتها در صورتی می‌توانند به همکاری دست یابند که این سیاستها در خدمت منافع ملی - به منزله قدرت - آنها باشد و این کار قدرت ملی آنها را افزایش دهد (عبداله خانی، ۱۳۸۳، ۷۰-۶۹). اما همین همکاری‌ها نیز بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است و چنانچه شرایط ایجاد نماید این همکاری‌ها نیز پایدار نخواهد شد. حتی دولتهایی که بر اساس احتمالات می‌اندیشند مزایای همکاری را در بلند مدت کم می‌دانند و وابستگی خود را به دیگران به حداقل می‌رسانند (الکساندر ونت، ۱۳۸۵: ۵۰۹-۵۰۸).

رویکرد اسلام به روابط بین‌الملل

اسلام به عنوان یک دین جهان شمول، رویکرد خاصی نسبت به ماهیت روابط بین‌الملل دارد که متفاوت از دو جریان اصلی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل یعنی رئالیسم و لیبرالیسم می‌باشد. از آنجا که دو مکتب کلان روابط بین‌الملل، مادی‌گرا هستند و عینیات را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند اما اسلام در کنار توجه به مسائل مادی (همچون منفعت و قدرت) به مسائل ارزشی و اخلاقیات توجه ویژه‌ای دارد. لذا در روابط بین‌الملل کنونی توجه به دیدگاه‌های

^۱. Realism

اخلاقی و دینی، اجرای استراتژیهای مناسب از طرف کشورهای اسلامی و به ویژه محافل فکری و برقراری ارتباط شایسته بین کشورهای اسلامی و ارتقای جایگاه آنها در سیاست بین‌الملل می‌تواند به تدریج بدل مناسبی در برابر دیدگاه‌های مادی‌گرای روابط بین‌الملل ارائه داده و هژمونی آنها را به چالش کشیده و حداقل آن دیدگاه‌ها را بر آن دارد که در باز تفسیر رهنمودهای خود، دین و اخلاقیات را هم مورد توجه قرار می‌دهند. چرا که منشأ و ریشه بسیاری از تحولات در روابط بین‌الملل در دوره کنونی دینی می‌باشد، و در واقع مسائل دینی می‌تواند حتی تغییرات ساختاری در روابط بین‌الملل به وجود بیاورد (Snyder, 2009:1-3). طبعاً در چنین شرایطی بی‌اعتنایی به دین و اخلاقیات در روابط بین‌الملل از سوی مکاتب مسلط در روابط بین‌الملل بویژه رئالیسم و لیبرالیسم مایه تعجب است چرا که مکتب نورئالیسم به رهبری والتز^۱ کلاً بی‌اعتنا به نقش دین در روابط بین‌الملل بوده و دیدگاه‌های لیبرالیسم به رهبری کوهن^۲ و سازه‌نگاری^۳ به رهبری ونت^۴ اعتنای کمتری به دین در روابط بین‌الملل کند (Snyder, 2009:2).

ظهور اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی تعیین کننده در روابط بین‌الملل، مبنا و مفروض کلیه نظریه‌های سکولار روابط بین‌الملل مبنی بر عدم تأثیرگذاری دین بر تحولات و نتایج بین‌المللی را نقض و باطل می‌سازد، چون هیچ کدام از این نظریه‌ها نقش تعیین کننده‌ای برای دین در سیاست بین‌المللی قائل نیستند، زیرا کشورها از ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم بر آنها درصدد تأمین منافع و قدرت ملی خود و پیشینه‌سازی قدرت می‌باشند، لذا اسلام کوششی برای تعقیب و تأمین منافع و قدرت ملی در نظام بین‌الملل آنارشیک قلمداد می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹). (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱: رویکرد رئالیستی، لیبرالیستی و اسلام به روابط بین‌الملل

مکاتب	سرشت بشر	کانون نظریه	نظریه	اصل حاکم بر نظام بین‌الملل	منطق علی نظریه
رئالیسم	بد سرشت	قدرت	دولت محور	جنگ محور	قدرت طلبی + ترس = جنگ دائمی
لیبرالیسم	نیک سرشت	عقلانیت	فرد محور	صلح محور	تأمین اخلاق، آزادی، تعاون و همکاری = صلح
اسلام	سرشت دوگانه بشر و ذاتاً نیک سرشت	شرع	دین محور	وجود صلح و جنگ با هم و تأکید بر اصالت صلح	تقدم فطرت بر غریزه = صلح دائمی تقدم غریزه بر فطرت = جنگ دائمی

منبع: (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۴۲-۵)

یافته‌های پژوهش

ایران

کشور ایران با وسعتی معادل ۱,۸۷۳,۹۵۹ کیلومتر مربع، مجموع مساحت خشکی، جزایر و آبهای متعلق به کشور (نامی و حیدری‌پور، ۱۳۹۱: ۲۲۹) شانزدهمین کشور بزرگ جهان است. از دید طبیعی ایران از شمال به بیابان خوارزم دریای خزر و رود کورا از مشرق به حوضه آمودریا (جیحون) و کوه‌های غربی دره سند و دامنه‌های کوه‌های

^۱. Kenneth Neal waltz

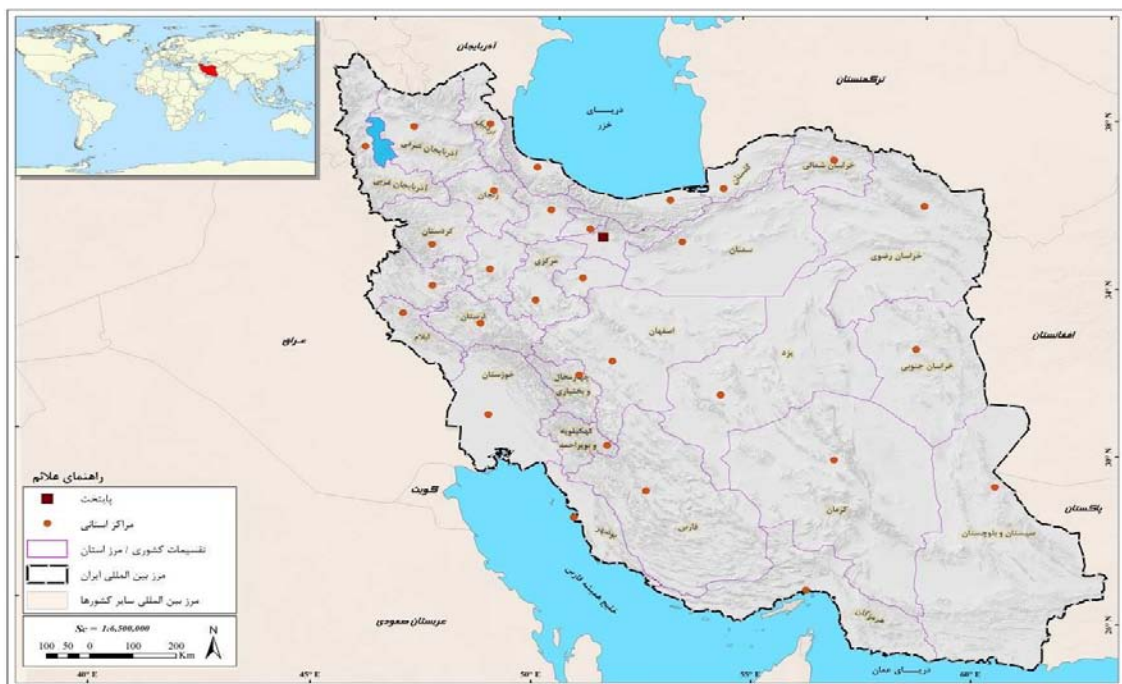
^۲. Robert Cohen

^۳. Constructivism

^۴. Alexander Wendt

غربی پامیر از مغرب به دامنه‌های غربی کوههای زاگرس و حوضه آبریز اروندرود از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود است (نقشه شماره ۱). ایران کشوری کوهستانی محسوب می‌شود. بیش از نیمی از مساحت کشور را کوه‌ها و ارتفاعات و کمتر از ۱/۴ آن را نیز اراضی قابل کشت تشکیل داده است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت ایران ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر می‌باشد (www.amar.org). ارتفاعات ایران را به طور کلی می‌توان به چهار رشته کوه شمالی، غربی، جنوبی و کوههای مرکزی و شرقی تقسیم کرد از رشته کوه‌های مهم می‌توان به البرز و زاگرس اشاره کرد. بلندترین قله ایران دماوند نام دارد با ارتفاع ۵۶۷۱ متر که از این جهت در رتبه بیست-وسوم کوه‌های جهان قرار دارد. اکثر رودهای جاری در ایران کم‌آب‌اند و تنها رود قابل کشتیرانی آن، رود کارون است. مهم‌ترین رودهای حوضه خلیج فارس و دریای عمان عبارت‌اند از: کارون، جراحی، کرخه، در، زهره، دالکی، اروند رود، مهران، میناب، سرباز، با هوکلات، تیاب، نای بند، شور و مند. همسایگان ایران عبارت‌اند از: جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان و ترکمنستان (http://www.jasjoo.com/).

طول سواحل ایران در امتداد دریای خزر ۶۵۷ کیلومتر، در خلیج فارس از بندرعباس تا دهانه اروند رود ۲۵۹، ۱ کیلومتر و امتداد دریای عمان از خلیج گواتر تا بندرعباس ۷۸۴ کیلومتر است که در مجموع بالغ بر ۷۳۱، ۸ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. حدود ۹۰٪ از خاک ایران در محدوده فلات ایران واقع شده است. جنگل‌های شمال کشور در حاشیه جنوبی دریایی خزر ۱۹٪، جنگل‌های پسته پراکنده در جنوب و شرق ۱۳/۳٪، جنگل‌های کوهستانی ارس ۶/۶٪ و جنگل‌های گرمسیر و کویری نیز ۵/۶٪ آن را تشکیل می‌دهد. کشور ایران دارای آب‌وهوای متنوعی است که با مقایسه نقاط مختلف کشور، این تنوع را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. پایتخت ایران شهر تهران و ۹۸٪ مردم ایران مسلمان هستند (http://www.jasjoo.com/). (جدول شماره ۲).



جدول شماره ۲- مؤلفه‌های جغرافیای انسانی ایران

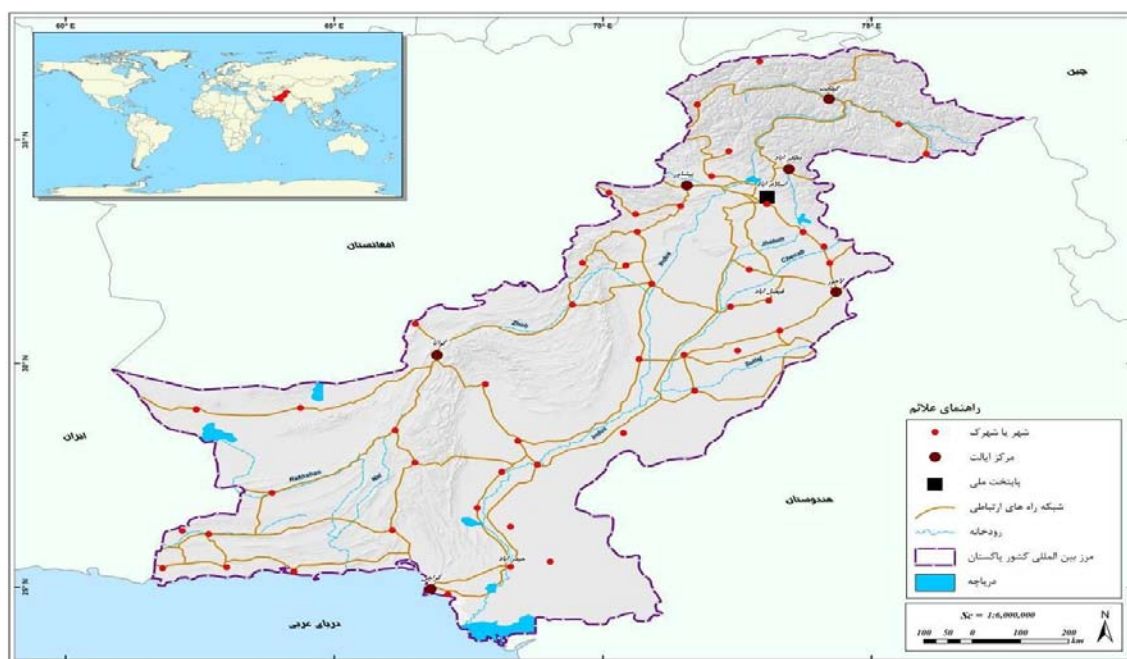
مؤلفه‌ها	شرح
جمعیت	۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر
اقوام	فارس ۶۱٪، آذری ۱۶٪، کرد ۱۰٪، لر ۶٪، بلوچ ۲٪، ترکمن ۲٪ و سایر ۱٪
زبان	فارس ۵۳٪، آذری ۱۸٪، کرد ۱۰٪، گیلکی و مازندرانی ۷٪، لر ۶٪، بلوچ ۲٪، عرب ۲٪ و سایر ۲٪
مذهب	۸۹٪ شیعه، ۹٪ سنی و زردشتی - یهودی و ارمنی ۲٪

منبع: برگرفته از سایت factbook (www.cia.gov)

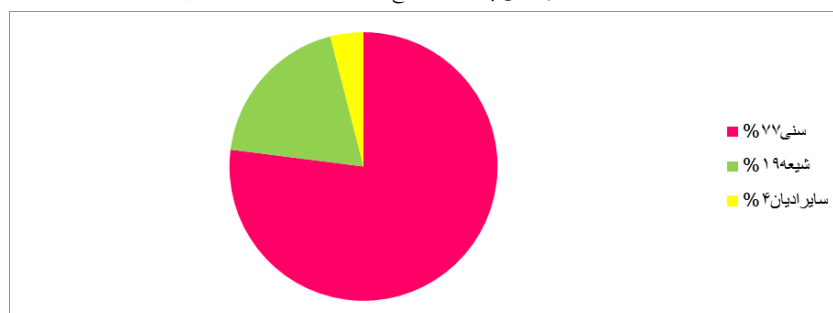
پاکستان

کشور پاکستان در جنوب قاره آسیا قرار دارد و از لحاظ وسعت با ۷۹۶ هزار و ۹۵ کیلومتر مربع مساحت، سی و پنجمین کشور بزرگ جهان است. پاکستان از غرب با ایران و افغانستان و از شرق با هندوستان مرز مشترک دارد و در جنوب این کشور دریای عمان به طول ۸۸۵ کیلومتر با آن مماس شده است. (نقشه شماره ۲). پاکستان شامل چهار استان به نامهای استان مرزی (شمال غربی، سرحد)، استان بلوچستان (بخش اتحادیه قبایل)، استان سند و استان پنجاب است که تماماً زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شوند. ۹۵٪ مردم پاکستان مسلمان (۲۵٪ شیعه و ۷۰٪ اهل تسنن) هستند. بر اساس برآورد سال ۲۰۱۵ با بیش از ۲۰۵ میلیون نفر جمعیت از کشورهای پرجمعیت دنیاست. اغلب شهرهای پاکستان قبل از بابلیان تشکیل شده و تاریخ موجودیت آنها به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد. تاریخ پاکستان عمدتاً به تاریخ هند و ایران وابسته است و در سنن و آداب و عادات، سابقه‌ای قبل از یونانیان دارد.

در دوران پیش از ظهور اسلام، این سرزمین اکثراً در دست دول ایرانی و تا حدودی هم در دست هندیان بوده است. نفوذ نژاد آریا روی تمدن هندوی این منطقه، ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح آغاز شد و ایرانیان، ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (زمان هخامنشیان) قسمت شمالی آن را اشغال کردند. در سال ۳۲۷ قبل از میلاد، یونانیان به رهبری اسکندر مقدونی، به اشغال آن دست یافتند تا اینکه در قرن اول هجری، دین اسلام به آن راه یافت. از سال ۷۱۲ میلادی تا دو قرن، مسلمانان در سرزمین پاکستان کنونی حکمرانی کردند و تاروپود آن را به اسلام آمیختند. در قرن دهم میلادی حملات تهاجمی پی در پی از ناحیه مسلمانان آسیای وسطی (ترکان) به سوی پاکستان و هندوستان صورت گرفت و آنان تا قرن هجدهم، زمان تسلط انگلیسیها بر این سرزمینها (از زمان غزنویان تا انقراض مغولی دولت مغولی هندوستان گورکانیان هند) حکمرانی نمودند. از قرن هجدهم تا سال ۱۹۴۷ میلادی (سال تأسیس پاکستان)، قریب دویست سال، کل شبه قاره زیر نفوذ انگلیس قرار داشت تا اینکه پس از آن با رها شدن از استعمار انگلیس این مناطق، از جمله پاکستان موجودیت و استقلال یافت (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۱۸۶). بعد از جدایی استقلال پاکستان از هند، دین رسمی پاکستان اسلام اعلام شد و در میان کشورهای اسلامی، دومین کشور از نظر تعداد مسلمانان محسوب می‌شوند. پاکستان بر اساس برآورد سال ۲۰۱۲ با بیش از ۱۹۹ میلیون نفر جمعیت، ششمین کشور پر جمعیت دنیاست. اگر چه مردم این کشور از اقوام متعددی تشکیل شده‌اند، اما دین اسلام عامل وحدت بخش آن محسوب می‌شود و نظام سیاسی آن در قانون اساسی که در سال ۱۹۷۳ میلادی به تصویب رسید، جمهوری اسلامی معرفی شده است.



نقشه شماره ۲- موقعیت جغرافیایی پاکستان منبع: نگارندگان بر مبنای داده‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۱- پراکنندگی ادیان و مذاهب در پاکستان منبع: نگارندگان

تاریخچه تشیع در پاکستان

بر اساس برخی قرائن تاریخی، تشیع در نیمه اول قرن یکم هجری به سرزمین شبه قاره هند راه پیدا کرده است. به طوری که در دوران حکومت حضرت علی (ع) نیروهای عرب که از مرزهای سند عبور کرده بودند موجب شد که بخشی از مردم «جات» ارادتی عمیق به حضرت پیدا کنند. «شنسب جد غوریان»^۱ که فاتح شمال هند بود به دست حضرت علی (ع) اسلام آورد و با امام پیمان وفاداری بست و لذا عشق حضرت علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) عمیقاً در عقایدشان ریشه دواند. در زمان منصور، خلیفه دوم عباسی، عمرو بن حفص به فرمانداری سند منصوب شد. او یکی از طرفداران جدی حضرت علی (ع) بود و از قیام محمد «نفس زکیه» حمایت کرد و برای عبدالله اشتر فرزند محمد، که در بصره مشغول جمع‌آوری اسلام و تجهیزات بود، پولهایی فرستاد تا اسب و شمشیر تهیه کند. بدین ترتیب شیعیان به تدریج در سده‌های بعد قدرت بیشتری را کسب کردند. آنها در نواحی گوناگون شبه قاره هند بویژه شمال آن حکومت‌های مستقلی را تأسیس نمودند. سلسله حکومت‌های شیعی «اوده»، «بیجاپور» و «عادل شاهان» در هند معروفند (وب سایت دیدبان، didban). به هر حال شیعیان

^۱ غوریان یا شنسب دودمانی بودند که بین سده‌های ۱۰ و ۱۱ میلادی در نواحی صعب غور واقع در کوهستانهای بین هرات و غزنه فرمانروایی می‌کردند.

پاکستان اقلیتی بزرگ و تأثیرگذار هستند و مهمترین و پرجمعیت‌ترین گروه شیعیان پاکستان فرقه‌ی اثنا عشری و پیروان فقه جعفری‌اند که یکی از مذاهب رسمی در پاکستان شناخته می‌شوند.

توزیع جغرافیایی شیعیان پاکستان

برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که شیعیان در آنها از نوعی تمرکز جغرافیایی برخوردارند در پاکستان چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. شیعیان این کشور در تمام شهرها و شهرستانها پراکنده‌اند و این پراکندگی در سطح روستاها نیز به چشم می‌خورد. مهمترین شهرهایی که شیعیان در آنها سکونت دارند عبارتند از: کراچی، لاهور، ملتان، راولپنڈی، اسلام‌آباد، جنگ، سیالکوت، حیدرآباد، پیشاور، پاراچنار، کوهات، اسکردو و کویته (نقشه ۳). همین عامل، عدم تمرکز جغرافیایی و پراکندگی جمعیتی شیعه، خود یکی از مهمترین عواملی است که مانع از نقش‌آفرینی بهتر شیعیان در این کشور شده است.

پنجاب پر جمعیت‌ترین ایالت کشور پاکستان است که بیشترین جمعیت شیعه را در خود جای داده است. در لاهور، مرکز پنجاب قریب به نیم میلیون شیعه در سالهای آخر دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی زندگی می‌کردند (توال و لورو، ۱۳۷۹: ۶۲۴) که امروز با توجه به رشد زاد و ولد و همچنین مهاجرت روستائیان به آنجا، ممکن است این تعداد به دو برابر افزایش باشد. مهمترین انجمنها و گروههای شیعی مستقر در لاهور و پنجاب عبارتند از: «اداره تحفظ حقوق شیعه»، «کنفرانس سراسری»، «وفاق علمای شیعه پاکستان» که این سه گروه در سطح کل شیعیان پاکستان فعالیت دارند (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۸، www.hawzah.net). در کراچی مرکز ایالت سند، نیز جمعیت قابل توجهی از شیعیان زندگی می‌کنند، پس از جدایی پاکستان از شبه‌قاره هند، تعداد زیادی از شیعیان هند به این شهر مهاجرت کردند که امروز به نام «خوجه‌ها» یاد می‌شوند. خوجه‌ها قوم ثروتمند و تحصیل کرده‌ای هستند که در ادارات دولتی نیز نفوذ قابل توجهی دارند. قدیمی‌ترین محله شیعه‌نشین کراچی محله «کردار» است. شهر مهم دیگری که تعداد قابل توجهی شیعه را در خود جای داده است، شهر کویته مکز ایالت بلوچستان است. آنان نسبت به باورهای مذهبی، سنت‌های اجتماعی خود حساسیت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهند. مراسمات دینی بویژه ایام محرم و صفر، با جوش و حرارت زایه الوصفی از سوی آنان برگزار می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۸، www.hawzah.net).



نقشه شماره ۳- پراکندگی شیعیان در کشورهای ایران و پاکستان منبع: نگارندگان

مسائل مشترک ایران و پاکستان

رادیکالیسم قومی و مسأله بلوچستان

بلوچستان بزرگ ایده‌ای بود که سالها قبل از آن به وسیله ترکیبی از خان‌ها بلوچ و ناسیونالیستهای بلوچستان پاکستان طرح شده بود. بلوچستان بزرگ شامل سرزمین وسیعی بود که مرزهایش فراتر از محدوده‌های موجود استانهای بلوچستان در پاکستان، ایران و افغانستان می‌رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، کشورهای عرب منطقه به دلیل جلوگیری از نفوذ عقیدتی تشیع سرمایه‌گذاری زیادی برای مسائل مذهبی انجام دادند. یکی از محیطهای مناسب جهت سرمایه‌گذاری اعراب برای مقابله با نفوذ ایران کشور پاکستان بود و پاکستان یکی از مهمترین عرصه‌های رقابت به حساب می‌آمد (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). ترویج تفکرات مذهبی وهابیت؛ به ویژه تلاش برای تکوین تشکلهای متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت، موجب افزایش همگرایی اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی شرق و جنوب شرق ایران شده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۲)، همچنین برخی گروهک‌های تروریستی مانند: «جندالله» و در شکل جدیدتر «انصار» و «جنبش عدل» در سیستان و بلوچستان با برخی از علمای تندرو در پاکستان در ارتباط هستند و تحت تعلیم آموزش نظامی برخی عناصر القاعده می‌باشند (عفوری، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۸۷۹). لذا نواحی بلوچ نشین دو کشور به علت ویژگی‌های ژئوپولیتیکی زمینه‌ای بحران‌زایی و ناامنی زیادی دارند. اگرچه به نظر می‌رسد رادیکالیسم بلوچ علاوه بر منشاء اجتماعی - مذهبی، بنیان اقتصادی و معیشتی نیز دارد (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶-۵۱).

مسأله هسته‌ای

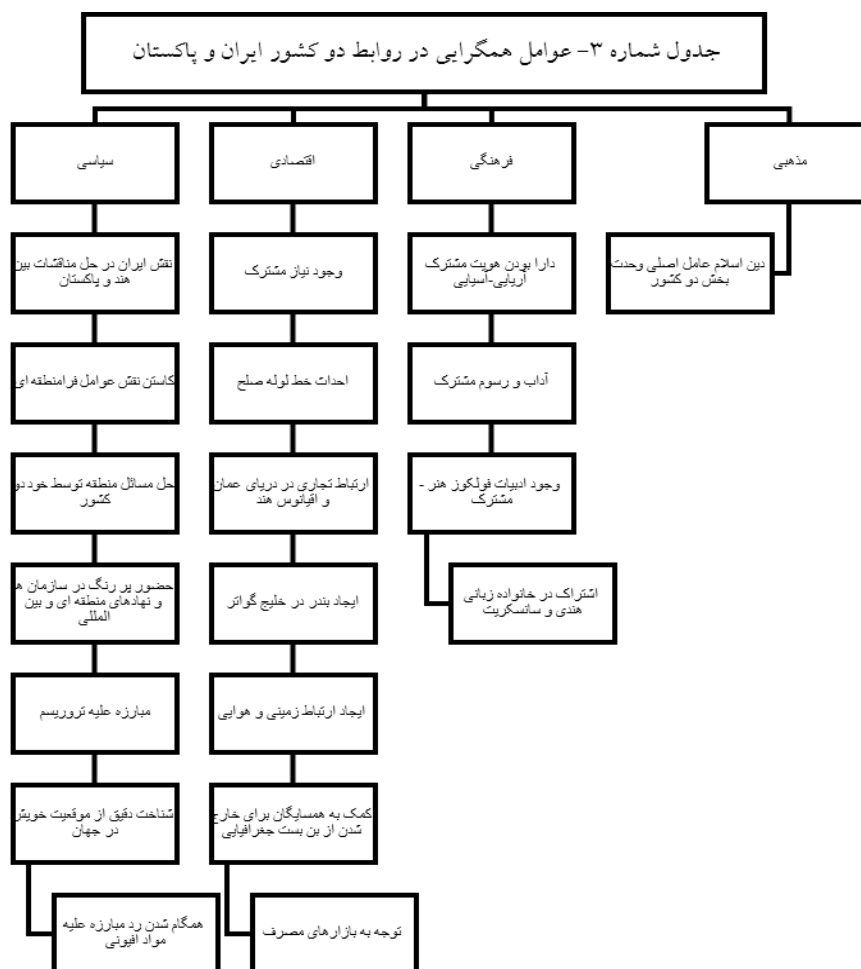
در اوایل دهه ۱۹۹۰ که دکتر عبدالقدیر خان پدر بمب هسته‌ای پاکستان به ایران سفر کرد همکاری هسته‌ای ایران و پاکستان جلوه بارزی به خود گرفت. اما مسئله هسته‌ای ایران از رقابت دیرین نخبگان داخلی در پاکستان بر کنار نبوده است، نخبگان متمایل به آمریکا و غرب تمایلی ندارند که ایران به توانایی هسته‌ای پیشرفته دسترسی پیدا کند و گاهی آنرا از زاویه رقابت میان شیعیان و سنی‌ها تحلیل می‌کنند. در نقطه مقابل نخبگانی وجود دارند که به شدت از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۱۱). به هر حال در بحران هسته‌ای شبه‌قاره، ایران از مواضع و آزمایش هسته‌ای پاکستان حمایت کرد و کمال خرازی وزیر خارجه وقت ایران در ژوئن ۱۹۹۸ به اسلام‌آباد سفر و حمایت کشور ایران را به مقامات پاکستان اعلام نمود که این موضوع موجب نزدیکی دو کشور و سفر ژنرال مشرف به تهران گردید. علاوه بر مسائل یاد شده در روابط استراتژیک ایران و پاکستان، مسائل دیگری نیز به چشم می‌خورد که به شدت متأثر از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا است. شاید بتوان بارزترین نمونه آن را مربوط به خط لوله صلح عنوان نمود. از هنگامی که ایران، پاکستان و هند بر سر انتقال خط لوله گاز ایران از عسلویه ایران به مولتان پاکستان و از آنجا به دهلی نو در سال ۲۰۰۰، به توافق اصولی رسیدند، مخالفت‌های آمریکا با این طرح موجب شده است تا این طرح بزرگ به نتیجه نرسد.

مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان

رابطه ایران و پاکستان برخاسته از دیدگاه و میراث مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور است که تاریخی طولانی دارد. با شکل‌گیری پاکستان ایران اولین کشوری بود که آنرا به رسمیت شناخت و همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، پاکستان اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و بر همین اساس دو کشور روابط خود را در حوزه‌های مختلف گسترش دادند. در مطالعه روابط دو کشور در طی سه دهه گذشته، پنج عامل ثبات و پایدار: ایدئولوژی و مذهب، قومیت‌گرایی، افراط‌گرایی دینی و تروریسم، تحولات افغانستان، نوع مناسبات هند و

پاکستان که ترکیب با مؤلفه‌های متغیری چون نوع نگرش نخبگان سیاسی حاکم بر دو کشور، تحولات منطقه آسیای جنوب-غربی و نظام بین‌الملل، سرنوشت مناسبات دوجانبه ایران و پاکستان و به عبارتی بهتر کیفیت رقابت و همکاری دو کشور را رقم زده است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰). اگر اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی را که با تحریک نیروهای خارجی مداخله‌گر دامن زده می‌شوند را کنار بگذاریم، ایران و پاکستان همواره اختلافات عمیقی باهم نداشته و ضمن داشتن نوعی تعامل و همگرایی، تلاش می‌کند تا با همکاری و توسعه روابط سیاسی، اختلافات را کاهش و عوامل بوجود آورنده آنان را از بین ببرد. در جدول زیر عوامل همگرایی در روابط دو کشور ایران و پاکستان به وضوح مشخص شده است.

نیاز امنیتی دو کشور ایران و پاکستان به یکدیگر به عنوان حاشیه‌های امنیتی آنها را به هم نزدیک کرده است. پاکستان با توجه به تهدید استراتژیک هند، همواره سعی کرده است در میان همسایگان مستقیم و غیر مستقیم خود در خاورمیانه و در غرب نیز شرکایی از جمله ایران پیدا کند تا آنها بتوانند با حمایت از پاکستان در مقابل کشور هند، توازن استراتژیکی برقرار کنند. از طرفی دغدغه‌های راهبردی ایران در بخش شرقی بر برقراری امنیت و ثبات و صیانت از مرزها، رقابت با قدرتهای سنی همچون عربستان سعودی و نیز افزایش نفوذ در افغانستان پس از خروج آمریکا تمرکز دارد. اما روابط نزدیک پاکستان و عربستان سعودی و سرمایه گذاری‌های کلان ریاضی در حوزه دینی پاکستان، همچنان روابط استراتژیک تهران و اسلام‌آباد را پیچیده‌تر می‌سازد (جوادی‌ارجمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶-۵۱).



نقش ژئوپولیتیک شیعه در همگرایی ایران و پاکستان

ایران پایگاه اصلی تشیع در خاورمیانه است. بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق، نقش مذهب شیعه در تحولات مذهبی خاورمیانه مشخص‌تر شده؛ زیرا نقطه‌ی مهم جغرافیایی شیعیان، مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان، تأثیرگذار است و خصوصاً در سواحل خلیج فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند. بالغ بر ۷۰٪ جمعیت سواحل خلیج فارس شیعه هستند. این عامل بر اهمیت ژئوپولیتیک مذهب شیعه می‌افزاید (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد «سیاست تکثرگرایی وحدت‌طلب دینی» بنا شده است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). انقلاب اسلامی باعث بیداری مردم پاکستان شد و آنها را به جهان تشیع وصل کرد و بعد از پیروزی انقلاب، در خصوص جوانان، معرفت و بیداری تازه‌ای به وجود آمد؛ در نتیجه تشکل‌های زیادی در سطح دانشگاهی و سطح مجامع عمومی به وجود آمد. آنها متوجه شدند که باید در مسائل سیاسی و اجتماعی و حکومتی به عنوان یک ملت بیدار و با ارزش حضور داشته باشند. در نتیجه مشاهده می‌شود اگر در کل جهان مسئله‌ای پیش آید، اولین کشوری که زودتر از همه عکس‌العمل نشان می‌دهد، پاکستان است. این آگاهی و بیداری در جامعه پاکستان به خاطر امام خمینی (ره) و عشقی است که پاکستانی‌ها به مذهب پویا دارند. به همین علت دشمنان تشیع و اسلام و پاکستان بسیار زیاد شده‌اند. در پاکستان تشکیلات اجتماعی و سیاسی پیش از انقلاب اسلامی ایران هم وجود داشتند، اما قبله و مسیر آنها بعد از انقلاب عوض شد و در نتیجه بزرگ‌ترین راهپیمایی‌ها و نقش‌آفرینی در مسائل اجتماعی را داشتند. سعودی‌ها و غربی‌ها به این موضوع بسیار حساس شدند و کار خود را شروع کردند که امروز نتایج آن را بعد از سی و چند سال در مشکلاتی که برای شیعیان پاکستان ایجاد کرده‌اند، مشاهده می‌کنیم. این همان عکس‌العمل به قضایا بود که مردم پاکستان از خود نشان دادند و اکنون هم اگر از شیعیان چشم‌پوشید و به دیگران نگاه کنید، به لحاظ علاقه‌ای که سایر مذاهب و مسالک به ایران دارند، از بقیه کشورها بسیار قوی‌تر است. وقتی در بقیه قوی باشد، در داخل تشیع بسیار محکم‌تر و قوی‌تر است. (<http://alwaght.com>).

نقش مرجعیت و رهبری ایران برای شیعیان خارج از کشور

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرار داده که بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش داده و از یک الگوی با تجربه که آزمون مبارزه سیاسی خود را در عرصه ملی و بین‌المللی پس داده است استفاده کند. در این میان باید توجه داشت که اگرچه انقلاب اسلامی با فراهم نمودن شرایط و بستر مناسب، بازسازی هویت مسلمانان بخصوص شیعیان را آغاز نمود و با ایجاد اعتماد به نفس و ارائه راهکارهای نوین، آینده روشنی را به مسلمانان و حتی مردم جهان نشان داد اما مسلماً این مساله نیازمند تقویت دیپلماسی ایران در ژئوپولیتیک نوین تشیع و در سطح جهان اسلام است تا از یکسو زمینه انسجام هویت اجتماعی شیعی را در منطقه به وجود آورده و از سوی دیگر با عوامل و اگر، انزوا ساز و محدود کننده شیعیان در جوامع اسلامی به بهانه نگرانی از تشکیل هلال شیعی مقابله کند (جاودانی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۱۲).

تجزیه و تحلیل

موقعیت بی‌نظیر ایران و قرار گرفتن در کانون جوامع شیعی با داشتن اکثریت جمعیت شیعه و قرار گرفتن شیعیان پاکستان در همسایگی ایران سرعت بخش امواج انقلاب اسلامی ایران در پاکستان را افزایش داد و از سوی دیگر شیعیان پاکستان به دلیل شرایطی که در آن قرار داشتند کاملاً پذیرای امواج انقلاب اسلامی ایران بودند. از نکات بارز و مشهود در تاریخ معاصر پاکستان، تحرک سیاسی شیعیان این کشور طی دهه‌های گذشته است. شیعیان پاکستان از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به تدریج با

خروج از انزوا فعالانه وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شدند. این حرکت که در ابتدا به صورت اقدامات اعتراضی آغاز شد، سپس نهضت اجرای فقه جعفریه پاکستان به عنوان اولین تشکل فراگیر شیعیان به رهبری مفتی جعفر حسین شکل گرفت. به دنبال آن تشکلهای دیگری به گونه‌ای فعال جهت تأمین هویت سیاسی متمایز برای شیعیان و اتفاق حقوق آنها در عرصه پاکستان به فعالیت پرداختند.

از آنجا که شیعیان پاکستان که دارای اشتراکات فرهنگی، زبانی و مذهبی با ملت ایران هستند، انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در حیات سیاسی پاکستان تبدیل شد و موجب احیاء مجدد حیات اجتماعی شیعیان پاکستان گردید (کامران و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۵-۷۱). یکی از عوامل استراتژیک که در تحلیل روابط ایران و پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است نقش و جایگاه شیعیان پاکستان می‌باشد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. لذا شیعه بودن بخش بزرگی از جمعیت پاکستان، اصلی‌ترین زمینه ارتباط میان دو جامعه ایران و پاکستان به شمار می‌آید که البته این اشتراکات فرهنگی و مذهبی برای مردم دو کشور نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، که این موضوع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا حد زیادی تقویت شد. (موسوی، ۱۳۸۹) پیروزی یک نظام اسلامی در ایران با فرهنگ پاکستان همخوانی داشت و فعالیت جریان‌ات و گروه‌های شیعی در پاکستان تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران تشدید و این موضوع بر وزن سیاسی آنها در جامعه پاکستان افزود، به نحوی که حکومت وقت به رغم گرایشی که به مذهب سنی داشت نمی‌توانست شیعیان را نادیده بگیرد (همان).

به طور خلاصه می‌توان نقش شیعیان پاکستان در روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران را این‌گونه بیان کرد:

الف) از نظر جمعیتی، شیعیان پاکستان بالغ بر ۲۵٪ مسلمان این کشور تشکیل داده‌اند، با توجه به پیشینه مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و همچنین نقش شیعیان در استقلال پاکستان، و گرایش ایدئولوژیک آنان نسبت به جمهوری اسلامی ایران دولت پاکستان نمی‌تواند در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نقش آنان را نادیده بگیرد.

ب) شیعیان نقش فعالی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور پاکستان دارند به گونه‌ای که توانسته‌اند بر رفتار سیاسی دولتمردان به ویژه در رابطه با همسایگان تأثیر بگذارند.

ج) جمهوری اسلامی ایران توانسته است با فراهم کردن زمینه‌های تحصیل دانشجویان شیعه مذهب خارجی بویژه کشور پاکستان، در مراکز علمی و حوزوی میدان نفوذ خود را گسترش دهد.

نتیجه‌گیری

روی کار آمدن حکومت شیعی در ایران یکی از عوامل مؤثر بر ژئوپولیتیک منطقه بود که حساسیت غرب و قدرت‌های منطقه‌ای را نسبت به کشورهای دارای جمعیت شیعه برانگیخت. کشور پاکستان به دلیل هم‌جواری با ایران، وجود میراث مشترک فرهنگی مذهبی و جمعیت فراوان شیعیان، تأثیرات زیادی از انقلاب ایران پذیرفت. می‌توان گفت که انقلاب ایران موجب اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی شدن شیعیان پاکستان شد. این موضوع احیای حیات سیاسی مقابله و عکس‌العمل گروه‌های افراطی سنی‌مذهب را به دنبال داشت. از طرفی کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی که رقابت ایدئولوژیکی با ایران دارند همواره با حمایت از گروه‌های تکفیری و سلفی، سعی در ایجاد تفرقه در بین شیعیان و اهل سنت پاکستان داشته‌اند، اما پاکستان با توجه به شرایط ژئوپولیتیک و موقعیت جغرافیایی خود همواره تلاش کرده است که روابط حسنه خود را با هر دو کشور عربستان و ایران حفظ کند، زیرا پاکستان از یک‌سو ایران را همسایه و شریک راهبردی و تعیین‌کننده خود در منطقه می‌داند و هرگز نمی‌خواهد این رابطه حسنه را از دست دهد و از سوی دیگر وجود جمعیت فراوان شیعه که پس از انقلاب اسلامی ایران به جمعیتی فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پاکستان تبدیل شده‌اند به مثابه یک گروه فشار

و تأثیرگذار در تنظیم سیاست‌های خود در ارتباط با کشورهای منطقه به ویژه ایران می‌داند و نمی‌تواند رویکرد شیعیان که بالغ بر ۲۵٪ از جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند نادیده بگیرد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال جوابی منطقی برای ارزیابی روابط ایران و پاکستان از منظر ژئوپولیتیک شیعه بوده است و با توجه به یافته‌های تحقیق و بر اساس تفسیر روابط بین‌الملل از منظر رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل و رعایت اصل اعتدال و میانه‌روی با یک نگرش منطقی به ماهیت انسان و ژئوپولیتیک، نقش مهم و تعیین کننده شیعیان در دو کشور با توجه به جایگاه آنان در کشور پاکستان مورد تأیید در روابط قرار می‌گیرد.

منابع

افضلی، رسول و کیانی، وحید (۱۳۹۱). بازخوانی ژئوپولیتیک شیعه: نگرشی جدید به بحث، همایش ژئوپولیتیک شیعه، آبان ماه ۱۳۹۱، صص ۷۷-۸۷.

ترابی، یوسف (۱۳۸۸). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی، دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان. جاودانی مقدم، مهدی و نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۸). نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت‌یابی جمعی شیعیان در خاورمیانه، صص ۹۹-۱۱۲.

جوادی‌ارجمند، محمدجعفر و بیدالله‌خانی، آرش و رضایی‌زاده، پیمان (۱۳۹۱). تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۱.

حافظ‌نیا، محمدرضا و احمدی، سیدعباس (۱۳۸۸). تبیین ژئوپولیتیک اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شده شیعیان جهان، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۵، صص ۷۳-۱۰۹.

دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۲). تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل، دو فصلنامه حقوق و سیاست، دوره ۵، شماره ۸، صص ۱۱۵-۷۳.

رنجبرکلور، علی (۱۳۸۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، صص ۱۷۷.

سیمبر، رضا (۱۳۸۵). ژئوپولیتیک و مذهب در نظام بین‌الملل: راهبردها و تحولات، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۲ و ۳، ۹۸-۱۱۸. شفیع، نوذر و قلیچ‌خان، غلامرضا (۱۳۸۹). تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۱-۱.

عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۵). شیعیان پاکستان، قم، انتشارات شیعه‌شناسی - چاپ اول، صص ۴۷-۶۲.

عطایی، فرهاد و رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۸). بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۴۰، شماره ۳، صص ۲۲۶-۲۰۹.

غفوری، محمود و داوند، محمد (۱۳۹۳). تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۸۹-۱۱۶.

قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱). جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران، جلد دوم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

قندیل، عباس (۱۳۷۵). عوامل و موانع همکاری در روابط ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، به راهنمایی داریوش اخوان کاظمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، صص ۱۲۳-۱۳۶.

قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۹۰). تأثیر مسئله هسته‌ای ایران بر روابط ایران و پاکستان، در مناسبات راهبردی ایران و پاکستان به اهتمام طیبه واعظی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۳۷-۱۱۱.

- کامران، حسن و متقی، افشین و میراحمدی، فاطمه و غلامی، بهادر (۱۳۹۲). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان پاکستان بر اساس نظریه پخش، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، صص ۹۵-۷۱.
- کلومبیس، تئودور و جیمز ولف (۱۳۷۵). رویکردهای مختلف در مطالعه‌ی سیاست، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، صص ۵۳-۵۱.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰). فراز و نشیب‌های روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری، مندرج در کتاب پاکستان چالش‌های داخلی و سیاست خارجی، نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۹۸-۱۰۶.
- موسوی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی مواضع و عملکرد پاکستان در جنگ عراق با ایران، فصلنامه نگین ایران، صص ۶۳-۸۸.
- میلانی، جمیل و اسماعیلی، محمدتقی (۱۳۹۳). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر پاکستان، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۸، صص ۶۶-۶۷.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۵). اقتدارگرایی چیزی است که دولت‌ها خودشان می‌فهمند - جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات مزارت امور خارجه، صص ۶۰-۴۸.
- نامی، محمدحسن و حیدری‌پور، اسفندیار (۱۳۹۱). الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ج.ا.ایران، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، شماره ۲، بهار، صص ۲۴۸-۲۲۹.
- Alam, S. (2004). Iran-Pakistan Relations: Political and strategic Dimensions, strategic And lysis journal, Vol.28, No.4, PP:526-527.
- ashkariRizvi, H. (2004). Pakistan's Foreign Policy: An Over view 1947-2004, PakistanInatluts of legislative Development and Tran sparency-pildat, PP:1-29.
- <http://www.jasjoo.com>
- <http://www.jasjoo.com>
- Montazeran, A and kashifmumtaz, K. (2004). Iran-Pakistan coomperation for Regional stabitify and peace. Stratege studies, vol.xxlv, NO, 1, P:12
- Mushahid, H. (1993). Pakistan-Iran Relations in the chaging world scenario: challenges and Response, in tarik join, al, eds., Foreignpolicy Debate: The years Ahead (Islam a bad: In statute of policy studies), PP: 215-90 Tuathail , G ,Spritual geopolitics: Fr.Edmund Walsh and Jesuit Anti-Communism,in D.Atkinson and K.Dodd(eds) Geoplitics: A century Of Geopolitical thought,(New York:Routledge,2000), PP:187-209
- Rourke, J. (2010). Michael, Ryan,ed. International, Politics on The world stoge. Boyer, Mark A, New York; Mcgraw Hill.P.16.
- Snyder, J. (2009). "Religin and International Relations Theory", Internet: <http://www.Princeton.edu/politics/events/repository/public/faculty/Snyder-Religin-and-IR-Theory>. Pdf, pp.1-3.
- www.amar.org
- www.cia.gov